



The Role of Dissimulation in the Historical Process of Ruling Statement by the Infallibles (PBUT): A Case Study of the Ruling related to the Fasting on the Day of 'Āshūrā'

Mohammad Hossein Afrakhteh¹, Najmeh Salehi²

¹ Ph.D., Student, Department of Islamic History, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**). mhafrakhteh84@yahoo.com

² Ph.D., Student, Department of Islamic History, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. na.salehi1981@gmail.com

Abstract

Attention to the vital element of dissimulation is highly instructive both in engaging with the traditions of the Ahl al-Bayt (PBUH) and in analyzing Shiite beliefs and intellectual history. The Imams (PBUT), as leaders of the Shiite community, adopted the practice of dissimulation not only in matters related to the doctrine of Imamate but also in sensitive jurisprudential issues, particularly rulings that carried political or social implications. After the martyrdom of Imam Hussain (PBUH), due to Umayyad propaganda promoting festivities and fasting on the day of 'Āshūrā', this legal issue acquired a social dimension, as Sunnis and Umayyad could distinguish Shiites from others based on their adherence or non-adherence. Consequently, Imams (PBUT) were compelled to practice dissimulation to protect the lives of their followers. This study, drawing on ḥadīthi, biographical, and historical sources through a library-based method, addresses the question on what role the dissimulation played in the historical trajectory of rulings on fasting on 'Āshūrā' day. Alongside the general type of dissimulation directed toward Sunnis, a particular form is identified whereby Imams (PBUH) articulated dissimulation -based rulings to their own Shiite followers—what may be termed “dissimulation for the benefit of Shiites.” Owing to the intellectual, political, and social dominance of Sunnis under the Umayyad, the residence of transmitters in Sunni-majority cities, or their direct contact with Sunni authorities, the Imams sometimes echoed Sunni positions for the protection of their community. In this framework, narrations concerning fasting on 'Āshūrā' day in Umayyad era emphasized virtues resembling Sunni reports and were transmitted to Sunni scholars, Shiite subgroups such as the Zaidi under Sunnites' influence, or Imāmī transmitters living

Cite this article: Afrakhteh, M.H. & Salehi, N. (2025). The Role of Dissimulation in the Historical Process of Ruling Statement by the Infallibles (PBUT): A Case Study of the Ruling related to the Fasting on the Day of 'Āshūrā. *History of Islam*, 26(2), p. 103-126. <https://doi.org/10.22081/hiq.2022.62528.2221>

Received: 12 February 2025

Received in revised form: 25 April 2025

Accepted: 30 May 2025

Available online: 1 July 2025

Type of article: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University

<https://pwq.bou.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



in Sunni-majority centers like Mecca and Basra. By contrast, in the late Umayyad and early ‘Abbāsid period, as political and social constraints eased, the need for dissimulation declined, and reports condemning the fast emerged. These prohibitive narrations either simply forbade the fast or associated it with severe punishment, and notably, they were all transmitted in the ‘Abbāsid era by Imāmī transmitters residing in Kufa, a Shiite-majority city. Accordingly, Imams (PBUT) moved from a strategy of cautious affirmation under dissimulation to outright prohibition when conditions allowed. Considering this crucial aspect of Ahl al-Bayt’s (PBUT) scientific and practical conduct can illuminate other contested legal issues between Sunnites and Shiites and offer valuable insights into the broader history of Shiite thought.

Keywords: Fasting, ‘Āshūrā’, dissimulation, legal rulings.

دور عنصر التقية في المسار التاريخي لبيان أحكام المعصومين (ع)؛ دراسة حالة: حكم صيام عاشوراء

محمد حسين أفراخته^١، نجمة صالح^٢

^١ طالب مرحلة الدكتوراه، قسم تاريخ الإسلام، جامعة طهران، طهران، إيران (الكتابة المسؤولة). mhafrakhteh84@yahoo.com
^٢ طالبة مرحلة الدكتوراه، قسم تاريخ الإسلام، قم، إيران. na.salehi1981@gmail.com

الملخص

يُعدّ الاهتمام بعنصر التقية الحيويّ مفيداً جداً في التفاعل مع روايات أهل البيت (ع)، وكذلك في تحليل عقائد وتاريخ الفكر الشيعي. لقد اعتمد الأئمة (ع) كقادة للجماعة الشيعية ممارسة التقية ليس فقط في المناقشات المتعلقة بفكرة الإمامة، بل أيضاً في القضايا الفقهية الحساسة، وخاصة الأحكام التي كانت مرتبطة بشكل ما بمناقشة الإمامة. وبعد استشهد الإمام الحسين (ع) بسبب دعاية الأمويين في إقامة احتفال وصيام يوم عاشوراء، اتخذت هذه القضية الفقهية طابعاً اجتماعياً، حتى استطاع أهل السنة والأمويون تمييز الشيعة من غير الشيعة من خلال الالتزام بها أو عدم الالتزام بها، ولهذا السبب اضطر الأئمة (ع) إلى ممارسة التقية لحماية أرواح الشيعة. تسعى هذه المقالة، بالاستناد إلى المصادر الحديثية والفقهية والبيانات التاريخية، وبالاعتماد على مصادر مكتوبة، إلى الإجابة على السؤال التالي: ما وظيفة التقية في المسار التاريخي للحكم الفقهي لصيام يوم عاشوراء؟ وللإجابة على هذا السؤال، وبعد بيان أهمية التقية التي كان يمارسها أهل السنة عادةً، وقد ظهر نوع خاص من التقية، حيث لم يمارس الأئمة (ع) التقية على أهل السنة، بل كانوا يكررون حكم التقية على شيعتهم أحياناً، لأنه بسبب الهيمنة الفكرية والسياسية والاجتماعية لأهل السنة والأمويين، أو إقامة الراوي في مدينة ذات أغلبية سنية، أو تعامله مع البلاط وأهل السنة، كان يضطر إلى إصدار فتاوى سنية؛ يمكن تسمية هذا النوع من التقية بـ"تقية الشيعة". وفيما يلي، بناءً على هذا النوع من التقية، سيتم تحليل الروايات الواردة في موضوع صيام يوم عاشوراء وتسلسلها الزمني. وتشير النتائج إلى أن الأئمة (ع) في العصر الأموي، في التعبير عن الحكم المذكور، من خلال اتباع منهج التقية، اهتموا بشكل خاص بالعناصر الثلاثة الرئيسية وهي الجو الفكري للمجتمع، وعقيدة المتلقي، ومكان إقامة الراوي، وأغروا عن فضائل للصيام في هذا اليوم مماثلة للروايات السنية. هذه الأحاديث كلها رواها رواة من شيوخ السنة، أو من فرق الشيعة، وخاصة الزيدية، الذين كانوا تحت تأثير السنة، أو الذين على الرغم من شيعتهم كانوا يعيشون في المدن ذات الأغلبية السنية (مثل مكة والبصرة)، ولذلك أقر الأئمة (ع) صيام يوم عاشوراء بالتقية، وذكروا فضائله أيضاً. في أواخر العصر الأموي وأوائل العصر العباسي، مع تخفيف القيود الاجتماعية والسياسية، قلّت الحاجة إلى التقية، ووردت روايات تُدين صيام هذا اليوم. أما الروايات التي تُحرّم صيامه، فإما أن تكون تحريماً دون سبب، أو تحريماً مصحوباً بتحذير شديد. بالنظر إلى الروايات التي تحرم صيام يوم عاشوراء، نجد أولاً أنها كلها تعود إلى عهد العباسيين؛

استناداً إلى هذه المقالة: أفراخته، محمد حسين؛ صالح، نجمة (٢٠٢٥). دور عنصر التقية في المسار التاريخي لبيان أحكام المعصومين (ع)؛ دراسة حالة:

حكم صيام عاشوراء. تاريخ الإسلام، ٢٦(٢)، ص ١٠٣-١٢٦. <https://doi.org/10.22081/hiq.2022.62528.2221>

<https://pqw.bou.ac.ir/>

الناشر: جامعة باقر العلوم (ع)

نوع المقالة: بحثية



وثانياً أن جميع رواة هذه الروايات عن الإمام كانوا من الشيعة الإمامية؛ وثالثاً أنهم كانوا يعيشون في مدينة الكوفة التي كانت ذات أغلبية شيعية؛ ولذلك، لم يَزِ الأئمة (ع) ضرورةً للتقية في بيان حكم صيام هذا اليوم، خلافاً للروايات السابقة، بل نهوا عنه ببيان عقوبته. إنَّ الاهتمام بهذه النقطة المحورية في السلوك العلمي والعملي لأهل البيت (ع) يُفيد كثيراً في فروع الفقه الشيعي والسني الأخرى، وفي دراسة تاريخ الفكر الشيعي.

الكلمات المفتاحية: الصيام، يوم عاشوراء، التقية، الوصايا.



نقش عنصر تقیه در سیر تاریخی بیان احکام از سوی معصومان (ع)؛ مطالعه موردی: حکم روزه عاشورا

محمدحسین افراخته^۱، نجمه صالحی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mhafrakhteh84@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. na.salehi1981@gmail.com

چکیده

توجه به عنصر حیاتی تقیه، در تعامل با روایات اهل بیت (ع) و همچنین در تحلیل اعتقادات و تاریخ تفکر شیعه، بسیار راهگشا است. ائمه (ع) به عنوان رهبران جامعه شیعه، نه تنها در مباحث مرتبط با اندیشه امامت، بلکه در مسائل فقهی حساسیت‌زا نیز، به ویژه احکامی که به نوعی با بحث امامت ارتباط داشتند، رویه تقیه را در پیش گرفته‌اند. پس از شهادت امام حسین (ع)، به دلیل تبلیغات بنی امیه در برگزاری جشن و روزه گرفتن در روز عاشورا، این مسئله فقهی به نوعی جنبه اجتماعی به خود گرفت، به طوری که اهل سنت و بنی امیه می‌توانستند از طریق پایبندی یا عدم پایبندی به آن، شیعه را از غیر شیعه بازشناسند؛ به همین دلیل ائمه (ع) برای حفظ جان شیعیان مجبور به تقیه شده‌اند. این نوشتار با توجه به منابع حدیثی و رجالی و داده‌های تاریخی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، درصدد پاسخ به این سؤال است که به عنوان مطالعه موردی، کارکرد تقیه در مورد سیر تاریخی بیان حکم فقهی روزه عاشورا چگونه بوده است؟ در راستای پاسخ به این سؤال، پس از بیان اهمیت تقیه که معمولاً از اهل سنت انجام می‌شده است، گونه‌ای خاص از تقیه معرفی شده که ائمه (ع) از اهل سنت تقیه نمی‌کردند، بلکه گاه حکم تقیه‌ای را برای شیعیان خود بازمی‌گفتند؛ چرا که به دلیل سیطره فکری، سیاسی و اجتماعی اهل سنت و بنی امیه، یا سکونت راوی در شهری با اکثریت سنی‌نشین یا تعامل او با دربار و اهل سنت، ناگزیر بودند فتاوی اهل سنت را بیان کنند؛ این گونه از تقیه را می‌توان «تقیه به نفع شیعیان» نام برد. در ادامه، براساس این نوع از تقیه، روایات نقل شده در موضوع روزه عاشورا و سیر زمانی آن‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که امامان (ع) در دوران بنی امیه، در بیان حکم مذکور با در پیش گرفتن رویکرد تقیه به سه عنصر اصلی فضای فکری جامعه، اعتقاد مخاطب و محل سکونت راوی توجه ویژه‌ای داشته و فضائلی را برای روزه در این روز بیان کرده‌اند که مشابه روایات اهل سنت هستند. تمامی این احادیث به روایانی گفته شده‌اند که از بزرگان اهل سنت بودند، یا از فرقه‌های شیعه، به ویژه زیدیه که تحت تأثیر اهل سنت بودند، یا با وجود شیعه بودن در شهرهای با اکثریت اهل سنت (مانند مکه و بصره) ساکن بودند؛ لذا ائمه (ع) با رعایت تقیه، روزه عاشورا را تأیید ننموده و فضائلی را نیز برای آن بیان کرده‌اند. در اواخر دوران بنی امیه و اوایل دوران بنی عباس که کمی از محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی کاسته شد، نیاز به تقیه کمتر شده و روایاتی در مذمت روزه در این روز بیان شده‌اند. روایات نقل شده

استناد به این مقاله: افراخته، محمدحسین؛ صالحی، نجمه (۱۴۰۴). نقش عنصر تقیه در سیر تاریخی بیان احکام از سوی معصومان (ع)؛ مطالعه موردی: حکم

روزه عاشورا. تاریخ اسلام، ۲۶ (۲)، ص ۱۲۷-۱۵۰. <https://doi.org/10.22081/hq.2022.62528.2221>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)



در منع از روزه در این روز، یا به صورت نهی بدون ذکر دلیل هستند، یا منع از روزه در این روز همراه با بیان عقابی دردناک برای این عمل بیان شده‌اند. بررسی روایات منع روزه در عاشورا، اولاً همگی در دوران بنی عباس هستند؛ ثانیاً تمامی راویان این احادیث از امام، شیعه امامی مذهب بودند و ثالثاً در شهر کوفه که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دادند، ساکن بودند؛ لذا، به همین دلایل، ائمه (ع) برخلاف روایات دسته اول، نه تنها نیازی به تقیه در بیان حکم روزه در این روز نمی‌دیدند، بلکه از روزه در این روز با بیان عقاب آن منع کرده‌اند. توجه به این نکته کلیدی در رفتار علمی و عملی اهل بیت (ع) می‌تواند در دیگر فروع فقهی اختلافی شیعه و اهل سنت و همچنین در بررسی تاریخ تفکر شیعه بسیار راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: روزه، روز عاشورا، تقیه، احکام.

۱. مقدمه

هسته مرکزی اعتقاد شیعه، مبنی بر حجیت الهی رسول خدا(ص) و تعداد خاصی از فرزندان ایشان، در زمان زندگانی پیامبر(ص)، در میان اصحاب خاص ایشان همچون سلمان (م. ۳۲ ه.ق)، مقداد (م. ۳۳ ه.ق) و ابوذر (م. ۳۲ ه.ق) وجود داشت؛^۱ این اعتقادات بعدها در میان شیعیان خاص امامان اولیه ادامه پیدا کرد.^۲ با این وجود، به دلیل حاکمیت سیاسی دولت‌های ضد شیعی و درپیش گرفتن روش تقیه توسط ائمه(ع) بسیاری از فضائل ایشان، در سطح عمومی جامعه، چه شیعه و چه اهل سنت، مکتوم ماند. در اواخر دوران بنی امیه (حک: ۴۱-۱۳۲ ه.ق) و اوایل حکومت بنی عباس (حک: ۱۳۲-۶۵۶ ه.ق)، فرصتی پدید آمد که بخشی از فضائل اهل بیت(ع) در جامعه اسلامی مطرح گردد؛ به تدریج امام باقر(ع) و امام صادق(ع)، این اعتقادات را برای اقشار مختلف شیعیان تبیین و نهادینه کردند و تا به امروز نیز در جامعه شیعه رواج دارد. تقیه در سیره عملی اهل بیت(ع)، نه تنها در بیان فضائل و مناقب خویش، بلکه در موارد فراوان در بیان احکام فقهی نیز شیوه‌ای معمول بود. تصور عموم بر این است که ائمه(ع) به راحتی در مسجد مدینه نشسته و محل رجوع افراد مختلف بوده‌اند؛ این امر در تصویری که از دوران امام صادق(ع) و کثرت شاگردان ایشان ارائه شده، پررنگ‌تر است. در صورتی که ائمه(ع) به دلیل حاکمیت سیاسی، در موارد فراوان مجبور بودند در بیان احکام فقهی نیز از روش تقیه بهره برده و حکم واقعی را بازگو نکنند، حتی گاهی احکام را در یک دیدار بسیار محرمانه به شیعیان می‌فرمودند و آن‌ها را از فاش کردن آن بازمی‌داشتند. تقیه در بیان احکام فقهی توسط اهل بیت(ع) معمولاً در مسائل اختلافی میان شیعه و اهل سنت بیان می‌شد، اما تقیه امام، در مواردی که حساسیت حکومت بر یک حکم فقهی بیشتر بود، شدیدتر می‌شد؛ احکامی که به نوعی در شناخت معتقدان به یک فرقه تأثیرگذار بود و توسط حکومت، تبلیغ یا حمایت می‌شد و گاه مخالفت با آن، جان شیعیان را به مخاطره می‌انداخت. از جمله احکامی که تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی و همچنین اعتقاد افراد، از رویه تقیه استفاده شده، حکم روزه عاشورا است. این حکم در اثر تبلیغات بنی امیه به نوعی رنگ اجتماعی به خود گرفت و به نوعی به یک آیین اجتماعی بدل شد. ائمه(ع) به دلیل حساسیت این حکم، در بیان آن در بازه‌ای از زمان تقیه می‌کردند و در بیان آن به اعتقاد شخص، جو فکری زمانه و محل زندگی افراد توجه داشتند؛ لذا تبیین این امر از طریق بررسی سیر تاریخی روایات لازم به نظر می‌رسد.

در ارتباط با پژوهش حاضر می‌توان به برخی آثار مرتبط اشاره کرد، از جمله: مقاله «درآمدی بر

۱. به عنوان نمونه رجوع کنید: برقی، رجال، ۱۳۴۲، ص ۶۳-۶۶.

۲. به عنوان نمونه نگاه کنید به جملات مالک اشتر در روز بیعت با امیرالمؤمنین(ع): یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۸۸۸ م،

ج ۱، ص ۲۰۸.

سنت‌سازی امویان؛ مطالعه روندی-فرآیندی روزه عاشورا^۱، در این اثر، روزه عاشورا به عنوان یک جعل سنت مطرح شده و با توجه به نظریه پخش، فرآیند جریان ساختگی بودن آن توسط امویان اثبات می‌شود. مقاله «روزه روز عاشورا، نقد و بررسی روایات و دیدگاه‌های فقیهان»^۲، که به بیان اختلاف نظر فقها می‌پردازد و پس از بررسی فتاوا و رد و استدلال برای آن، روایات دال بر استحباب امساک را دارای قوت بیشتر می‌داند و به طور کلی حکم روزه عاشورا را با رویکرد فقهی-حدیثی بررسی می‌کند. مقاله «روزه عاشورا در دو سده نخست هجری (دسته‌بندی و گونه‌شناسی روایات)»^۳ به روزه عاشورا به عنوان یک آیین می‌پردازد و اهمیت آن را در قبل و بعد از اسلام و در دوران پیامبر (ص) و پس از رحلت ایشان واکاوی می‌کند و رویکردهای مختلف از جهت آیینی، سیاسی، فقهی و دینی اشاره و تحلیل می‌شود. مقاله «بازپژوهی در حکم روزه عاشورا»^۴ نیز به بیان تفاوت دیدگاه حکم فقهی روزه و سیر تاریخی آن می‌پردازد و سیر تغییر آن را در طول تاریخ بررسی می‌کند. وجه تمایز مقاله پیش‌رو با آثار مذکور از حیث ساختار و استدلال است و سیر تاریخی بیان حکم روزه عاشورا، با توجه به استراتژی تقیه معصومان (ع) بررسی می‌شود و فضای عمومی جامعه و اعتقاد شیعی افراد و محل سکونت آن‌ها نیز مورد واکاوی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که این نوشتار درصدد بیان حکم فقهی روزه در روز عاشورا نیست، بلکه بدنبال توجه دادن به سیر تاریخی بیان حکم روزه در این روز و توجه به تأثیر تقیه، به‌ویژه سه عنصر زمان، مکان و اعتقاد فرد در این زمینه است. لذا، احادیث رسیده از ائمه (ع) را فارغ از بحث‌های سندی معمول در مباحث فقهی، تنها به عنوان گزارش‌های تاریخی در این زمینه در نظر گرفته است. تنها فردی که در این زمینه، مورد واکاوی رجالی قرار می‌گیرد، راوی اصلی حدیث از امام است. سوال اصلی پژوهش این است که کارکرد تقیه در مورد حکم روزه عاشورا چگونه تبیین می‌شود؟ لذا، در راستای پاسخ به این سؤال، نوشتار به سه بخش «تقیه و گونه‌های آن»، «گونه‌شناسی روایات روزه عاشورا» و «تقیه و تأثیر عناصر اعتقاد مخاطبین، زمان و مکان در روایات در سیر تاریخ» تقسیم می‌شود.

۲. تقیه و گونه‌های آن

تقیه در اصطلاح به معنای پرهیز از بیان عقیده و مخفی نگه‌داشتن آن یا انجام کاری است که مورد رضای قلبی یک فرد نباشد. عالمان دینی شیعه، در اصل تقیه اتفاق نظر دارند، اما در تعریف متفاوتند. وجه مشترک تعریف آن‌ها، پنهان ساختن حق یا اظهار خلاف آن برای دفع ضرر احتمالی

۱. فلاح‌زاده، درآمدی بر سنت‌سازی امویان؛ مطالعه روندی-فرآیندی روزه عاشورا، ۱۳۹۴.

۲. نوری، روزه روز عاشورا، نقد و بررسی روایات و دیدگاه‌های فقیهان، ۱۳۹۶.

۳. خانی، روزه عاشورا در دو سده نخست هجری (دسته‌بندی و گونه‌شناسی روایات)، ۱۳۹۶.

۴. کوه‌پیما، بازپژوهی در حکم روزه عاشورا، ۱۳۹۸.

است.^۱ بحث تقیه در سده‌های نخست هجری از مباحث معمول فقهی و کلامی بوده و به دلیل اهمیت تقیه در احکام، کتب و رساله‌های متعددی توسط فقهای شیعه تألیف شده است.^۲ وجود تقیه در روایت اهل بیت (ع) تا بدان حد مورد قبول بوده که علمای متقدم و متأخر امامیه، در موارد بی‌شماری، ضمن قبول انتساب یک روایت به امام معصوم، حکم بیان شده را تقیه‌ای دانسته‌اند.^۳ تقیه به گونه‌های مختلفی نظیر امتناع از بیان حکم،^۴ بیان احکام متعارض،^۵ و امثال آن قابل تقسیم است.^۶ در تشخیص تقیه‌ای بودن احکام، اولین مرحله، توجه به اعتقاد راوی است؛ به این معنا که فرد شیعه امامی (اهل سنت یا از فرقه‌های درون شیعی نزدیک به آنها مانند زیدیه)^۷ نبوده و امام براساس اعتقاد او سخن گفته و حکم تقیه‌ای را بیان کرده‌اند. این نکته، مرسوم‌ترین روش در شناخت تقیه‌ای بودن احادیث است. علاوه بر این، باید به دو نکته دیگر نیز توجه داشت. اول، فضای فکری جامعه در آن عصر و دوم، محل سکونت سؤال‌کننده است. به این معنا که امام برای حفظ جان فرد به دلیل جو حاکم، حکم تقیه‌ای را بیان می‌کرده یا در صورتی که قصد کنار گذاشتن تقیه را داشتند، حکم را در گفتگویی بسیار محرمانه و با تأکید بر منتشر نکردن آن می‌فرمودند.^۸ این گونه از تقیه را می‌توان «تقیه به نفع شیعیان» نام نهاد؛ یعنی ائمه (ع) از یک فرد غیر شیعی تقیه نمی‌کردند، بلکه با وجود شیعه بودن مخاطب، به جهت مصالحی مانند اطرافیان مخاطب یا محل سکونت وی،

۱. شیخ مفید، تصحیح الاعتقادات، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۷؛ شیخ انصاری، رسائل فقهیه، ۱۴۱۴ق، ص ۷۱؛ مامقانی، حاشیه علی رساله التقیه، ۱۳۵۰ق، ص ۲۴۱.

۲. به عنوان نمونه ر.ک: آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ج ۴، ص ۴۰۳-۴۰۵ (در این صفحات تعداد ۱۶ رساله در موضوع تقیه معرفی شده است).

۳. به عنوان نمونه: شیخ طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۵۹، ۹۱؛ ج ۲، ص ۱۰۹، ۱۲۹، ۱۹۵؛ شهید ثانی تعارض اکثر روایات شیعه را به دلیل تقیه می‌داند (شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱۴۳۴ق، ج ۳، ص ۱۹۶). صاحب حدائق نیز در کتاب خود بارها تقیه را «اصل کل بلیة» دانسته است (بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ۱۹۸۵م، ج ۳، ص ۱۲۶، ۲۶۸؛ ج ۴، ص ۵۶، ۳۴۶ و موارد دیگر).

۴. کلینی، کافی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۲۴؛ کشی، رجال، ۱۳۴۸، ص ۱۴۳.

۵. کلینی، کافی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ شیخ صدوق، علل الشرائع، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۹۵؛ شیخ طوسی، العدة فی اصول الفقه، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰.

۶. برای بحث بیشتر در این زمینه، رجوع کنید به: موسوی، بررسی تطبیقی نظریه تقیه با رویکرد به کتب اربعه و صحیحین، ۱۳۹۵، ص ۵۱-۵۳.

۷. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۵۹؛ ج ۶، ص ۱۶۸ و موارد فراوان دیگر.

۸. به عنوان نمونه بنگرید به: گزارشی از خلف بن حماد که اختلاف فقهای اهل سنت در یک حکم فقهی را به امام کاظم (ع) گفته و ایشان در یک دیدار بسیار محرمانه پاسخ او را داده‌اند و تأکید کرده‌اند که آن را منتشر نکنند (برقی، المحاسن، ۱۳۷۰ق، ص ۳۰۷-۳۰۸؛ کلینی، کافی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۹۲-۹۴).

حکمی تقیه‌ای را صادر می‌کردند. به دیگر سخن، امام(ع) از خود شخص تقیه نمی‌کردند، بلکه از آنجایی که اطرافیان آن شخص، شیعه نبودند، یا اینکه راوی، ساکن شهری با اکثریت غیرشیعه بود، امام به نفع او تقیه نموده و برای حفظ جان او حکمی شبیه حکم اهل سنت را بیان می‌کردند. از میان نمونه‌های متعدد موجود در روایات، تنها به یک نمونه از این گونه اشاره می‌شود. یکی از موارد اختلاف در فقه شیعه با اهل سنت، حکم فرد متوفایی است که تنها یک دختر از خود به جا گذاشته است. براساس روایات و فقه شیعه، تمامی ارث و از نظر اهل سنت نیمی از ارث به آن دختر تعلق می‌گیرد.^۱ امام صادق(ع) در پاسخ سؤال سلمة بن مُحرز در این زمینه می‌فرماید، نصف ارث را به دختر بدهد. پس از آمدن به کوفه، او این مسأله را نزد زرارہ (م. ۱۵۰ه.ق) مطرح می‌کند؛ زرارہ می‌گوید که امام از او تقیه کرده؛ زیرا تمامی مال از آن دختر است. سلمة دوباره نزد امام(ع) می‌رود و می‌گوید که برخی از اصحاب، حکم پیشین شما را تقیه‌ای دانسته‌اند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «به خدا قسم من از تو تقیه نکردم، بلکه به نفع تو تقیه کردم».^۲ در دو حدیث مشابه این روایت، همین فرآیند تکرار شده است.^۳ همان‌گونه که در این احادیث مشاهده می‌شود، امام صادق(ع) حکم تقیه‌ای را نه از سلمة، بلکه به نفع او و به جهت ترس از اطرافیان او بیان کرده‌اند.

۳. گونه‌شناسی روایات روزه عاشورا

در منابع اهل سنت چند گونه گزارش درباره روزه عاشورا وجود دارد که بحث در مورد تحلیل و درستی این گزارش‌ها خارج از هدف این نوشتار است.^۴ گزارش‌های تاریخی از نقش بنی‌امیه در گسترش فضائل روز

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۲۶۰؛ شیخ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ج ۳، ص ۱۹۵؛ ابن براج، المذهب، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۳۱؛ ابن ادریس، السرائر الحوائی تحریر الفتاوی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۳۷۴؛ ابن حمزة، الوسيلة الی نیل الفضيلة، ۱۴۰۸ق، ص ۳۸۶؛ حلی، الجامع للشرائع، ۱۴۰۵ق، ص ۵۱۲؛ محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ۱۹۶۹م، ج ۴، ص ۲۳؛ علامه حلی، تحریر الاحکام، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۲؛ علامه حلی، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱۸؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۱۴۳۸ق، ج ۳، ص ۳۵۹؛ شهید اول، لمعة الدمشقية، ۱۴۳۵ق، ص ۳۱۰؛ شهید ثانی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ۱۴۳۴ق، ج ۴، ص ۱۹۷؛ اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۱۳۶۷، ج ۳۹، ص ۱۱۲ (صاحب جواهر این حکم را اجماعی و بدون خلاف گفته است). کتب فقهای اهل سنت: ابن قدامة، المغنی، ۱۹۶۹م، ج ۶، ص ۲۷۳؛ نووی، المجموع شرح المذهب، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۷۸؛ شربینی، الاقناع فی حل الفاضل ابی شجاع، ۲۰۰۴م، ج ۲، ص ۲۰۷؛ سرخسی، المبسوط، ۱۹۸۹م، ج ۲۹، ص ۱۳۹؛ انصاری، فتح الوهاب، بی‌تا، ج ۲، ص ۴.

۲. کلینی، کافی، ۱۳۷۷ق، ج ۷، ص ۸۶؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۲۷۷.

۳. کلینی، کافی، ۱۳۷ق، ج ۷، ص ۸۷-۸۸؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۴. برای اطلاع بیشتر ر.ک: طبسی، صوم عاشوراء بین السنة النبویة و البدعة الامویة، ۱۳۸۰ق؛ علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۳۳۸-۳۴۳.

عاشورا حکایت می‌کند. ابوریحان بیرونی (م. ۴۴۲.ه.ق) می‌نویسد: بنی‌امیه پس از شهادت امام حسین (ع)، در این روز لباس‌های نو می‌پوشیدند و زینت می‌کردند و سرمه به چشمان می‌کشیدند و آن را عید گرفتند و جشن‌ها و مهمانی‌ها به پا داشتند و شیرینی پخش می‌کردند و این رسم در میان اهل سنت تا پایان حکومت امویان ادامه داشت و پس از آن نیز در میان آن‌ها باقی ماند.^۱ مقریزی (م. ۸۴۵.ه.ق) می‌نویسد: این اقدامات توسط حجاج (م. ۹۵.ه.ق) رواج پیدا کرد.^۲ نقل شده که در قرون اولیه، ناصبیان در روز عاشورا لباس‌های نو می‌پوشیدند و غذایی خاص (به نام حبوب) می‌پختند و سرمه به چشمان می‌کشیدند.^۳ بنابراین، در بستر تاریخی، به دلیل حمایت و تبلیغات دولت بنی‌امیه، روزه عاشورا اهمیت اجتماعی بسیاری داشته و به نوعی آیین اجتماعی تبدیل شد. در کتاب‌های حدیثی شیعه، به دلیل همین حساسیت و براساس آنچه که در مورد اعتقاد افراد، وضعیت فکری جامعه و محل سکونت راویان گفته شد، می‌توان گفت که انمه (ع) در بیان حکم روزه در این روز در دوران بنی‌امیه جانب احتیاط و تقیه را رعایت کرده‌اند، اما در دوران بنی‌عباس تقیه را کنار گذاشته‌اند. روایات روزه عاشورا را با توجه به رویکرد تقیه می‌توان به سه گونه تقسیم نمود:

گونه اول: روایاتی که در آن‌ها یا فضائلی برای روزه عاشورا بیان شده یا فرموده‌اند که رسول خدا (ص) در این روز، روزه می‌گرفتند.

گونه دوم: روایاتی که تنها از روزه در این روز منع کرده و هیچ دلیلی بر این امر بیان نکرده‌اند.

گونه سوم: روایاتی که بدون لحاظ تقیه، نه تنها از روزه در این روز منع کرده‌اند، بلکه با تعبیری بسیار قاطع، تند و سخت، تشریع روزه در این روز را رد کرده و برای روزه گرفتن در این روز عقابی دردناک بیان نموده‌اند.

۴. تقیه و تأثیر عناصر اعتقاد مخاطبین، زمان و مکان در روایات در سیر تاریخ

سیر تاریخی گونه‌های روایات و بررسی فرضیه اصلی این نوشتار یعنی رویکرد تقیه با در نظر گرفتن اعتقاد مخاطب، زمان و جو فکری جامعه و محل سکونت راوی قابل بررسی است که در این بخش به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. روایات مدح روزه عاشورا

در این قسمت به روایاتی که برای روزه عاشورا فضیلتی ویژه بیان نموده یا انجام آن در دوران

۱. بیرونی، الآثار الباقیه، ۱۸۷۸م، ص ۳۲۹.

۲. مقریزی، المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۳۷.

۳. افراخته، شیعیان متقدم، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱-۱۰۳.

رسول الله (ص) را تأیید می‌کنند، اشاره می‌شود و جنبه تقیه آن مورد توجه قرار می‌گیرد. روایات بیان‌کننده فضیلت روزه عاشورا، به جز یک مورد، همگی در دوران بنی‌امیه بیان شده‌اند و راویان آنها نیز از اهل سنت، یا از معتقدان به فرقه بُتریه^۱ و یا راویان شیعی ساکن در شهرهای با اکثریت ناصبی بوده‌اند، که تقیه‌ای بودن این احادیث را محتمل می‌کند.

روایت اول: حدیثی مشهور از امام سجاده (ع) است که در بسیاری از منابع نقل شده و ایشان گونه‌های مختلف روزه (واجب، حرام، مستحب، مباح، تأدیب و غیره) را برای ابن شهاب زهری (م. ۱۲۴ه.ق) توضیح داده‌اند. امام سجاده (ع) روزه روز عاشورا را جزء روزه‌هایی دانسته‌اند که شخص در گرفتن یا نگرستن روزه، مختار است.^۲

راوی این حدیث محمد بن مسلم بن عبیدالله، معروف به ابن‌شهاب زُهری است که از مشهورترین محدثان اهل سنت بوده که با حاکمان بنی‌امیه روابط بسیار نزدیکی داشت و معلم فرزندان آنها بود.^۳ جایگاه سیاسی او نزد حکومت و همچنین جایگاه علمی او در جامعه اهل سنت می‌تواند تقیه‌ای بودن این روایت را ثابت کند. لذا، می‌توان گفت امام سجاده (ع) براساس اعتقاد او چنین فرمایشی را داشتند.

روایت دوم: روایت دیگر در این زمینه، حدیث امام باقر (ع) به کثیر بن کاروند (م. ۱۶۹ه.ق)، معروف به کثیرالنواء است که ایشان فضائلی مانند قبول توبه حضرت آدم، شکافته شدن آب برای بنی‌اسرائیل، تولد حضرت ابراهیم (ع)، قبول توبه قوم حضرت یونس (ع)، تولد حضرت عیسی (ع) را برای روز عاشورا بیان کرده‌اند.^۴

کثیرالنواء از بنیان‌گذاران فرقه بُتریه است، که از زیرشاخه‌های زیدیه بود و از نظر اعتقادی، فاصله

۱. بتریه یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های زیدیه به‌شمار می‌روند که از اعتقادات امامیه فاصله گرفتند. بتریه اعتقاد به امامت دو خلیفه اول داشتند (کشی، رجال، ۱۳۴۸، ص ۲۳۳) و در فقه پیرو حنفیان و در کلام پیرو معتزله بودند (شهرستانی، الملل والنحل، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۶۲).

۲. «وَأَمَّا الصَّوْمُ الَّذِي صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ فَصَوْمُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَالْخَمِيسِ وَصَوْمُ الْبَيْضِ وَصَوْمُ سِتَّةِ أَيَّامٍ مِنْ شَوَّالٍ بَعْدَ شَهْرِ رَجَبٍ وَصَوْمُ يَوْمٍ عَرَفَةَ وَصَوْمُ يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَكُلُّ ذَلِكَ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ» (علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۷؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۷۷-۸۱؛ شیخ صدوق، المتقن، ۱۴۳۲ق، ص ۱۷۹-۱۸۲؛ شیخ صدوق، الهدایة، ۱۴۳۲ق، ص ۱۹۸-۲۰۲؛ شیخ صدوق، الخصال، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۵۳۷-۵۳۸؛ شیخ مفید، المتقن، ۱۴۳۰ق، ص ۳۶۳-۳۶۷؛ ابونعیم، حلیة الاولیاء، ۱۹۹۶م، ج ۳، ص ۱۴۱؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ۱۹۹۰م، ج ۹، ص ۱۱۵).

۳. بخاری، التاریخ الکبیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱؛ مزی، تهذیب الکمال، ۱۹۸۲م، ج ۲۶، ص ۴۱۹-۴۴۳؛ عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۵ق، ج ۹، ص ۴۴۵-۴۵۱؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۹۸۱م، ج ۵، ص ۳۲۶-۳۵۰.

۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المتقن، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۰۰.

زیادی با عقاید امامیه داشتند.^۱ به عنوان مثال، این فرقه، امامت امیرالمؤمنین (ع) را تنها در دوران پنج سال حکومت ایشان قبول داشتند.^۲ این فرقه تا بدان حد از اعتقادات ائمه اثنی عشریه دور بودند که امام صادق (ع) به آن‌ها لقب «مرجئة شیعه» دادند.^۳ کثیرالنواء به بسیاری از فضائل ائمه (ع) معتقد نبود.^۴ امامین صادقین (ع) وی را گمراه و گمراه‌کننده، کذاب و کافر دانسته^۵ و در نقلی دیگر امام صادق (ع) از وی اعلام برائت کرده‌اند.^۶ از وی در منابع رجالی اهل سنت نیز نام برده شده است؛^۷ ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ ه. ق) پس از اشاره به تشیع وی، از محمد بن بشر نقل می‌کند که وی از اعتقاد به تشیع بازگشته است.^۸ با توجه موارد فوق، احتمال تقیه‌ای بودن روایت امام باقر (ع) زیاد است؛ به ویژه اینکه این روایت، دقیقاً مشابه روایات اهل سنت در فضیلت روزه عاشورا است.

روایت سوم و چهارم: دو حدیث مشابه، یکی از امام باقر (ع) به عبدالله بن میمون قَدّاح و دیگری از امام صادق (ع) به مَسْعَدَة بن صدقة هستند که در هر دوی آن‌ها روزه عاشورا کفاره یک سال بیان شده است.^۹ عبدالله بن میمون از شیعیان صحیح المذهب بوده و در اعتقاد شیعی او شکی نیست؛^{۱۰} رجالیان اهل سنت در ضمن معرفی او، به نقل وی از امام صادق (ع) اشاره نموده، اما از تشیع او سخنی به میان نیاورده‌اند؛^{۱۱} که نشان از شدت تقیه او در میان اهل سنت دارد. براساس گزارش‌های کتب رجالی، وی

۱. اشعری، مقالات الاسلامیین، ۲۰۰۵ م، ص ۶۸؛ شهرستانی، الملل و النحل، ۱۹۶۷ م، ج ۱، ص ۱۶۱؛ بغدادی، الفرق بین الفرق، ۱۹۶۴ م، ص ۳۳.

۲. اشعری، مقالات الاسلامیین، ۲۰۰۵ م، ص ۶۹.

۳. کشی، رجال، ۱۳۴۸، ص ۲۴۷؛ برای بحث در مورد ارتباط لقب مرجئه شیعه با فرقه بتریه ر. ک. اقوام کرباسی، مرجئه شیعه، ۱۳۹۱، ص ۳۴-۶۶.

۴. به عنوان نمونه ر. ک.: راوندی، الخرائج والجرائح، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۶.

۵. کشی، رجال، ۱۳۴۸، ص ۲۳۰، ۲۴۰.

۶. همان، ص ۲۴۱.

۷. بخاری، التاريخ الكبير، بی تا، ج ۷، ص ۲۱۵؛ ابن حبان، الثقات، ۱۹۷۳ م، ج ۷، ص ۳۵۳؛ ابن عدی، الكامل فی ضعفاء الرجال، بی تا، ج ۷، ص ۲۰۸۶-۲۰۸۷؛ ابن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ۱۹۵۲ م، ج ۷، ص ۱۵۹؛ نسائی، الضعفاء و المتروکین، ۱۹۸۵ م، ص ۲۰۶؛ مزی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ۱۹۸۲ م، ج ۲۴، ص ۱۰۳-۱۰۵؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۱۹۶۳ م، ج ۳، ص ۴۰۲.

۸. عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۵ ق، ج ۸، ص ۴۱۱.

۹. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۲۹۹-۳۰۰؛ شیخ طوسی، الاستبصار، ۱۳۷۶ ق، ج ۲، ص ۱۳۴.

۱۰. کشی، رجال، ۱۳۴۸، ص ۲۴۶، ۳۸۹؛ نجاشی، رجال، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۱۳.

۱۱. بخاری، التاريخ الكبير، بی تا، ج ۵، ص ۲۰۶؛ ابن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ۱۹۵۲ م، ج ۵، ص ۱۷۲؛ ابن حبان، المجروحین من المحدثین، ۲۰۰۰ م، ج ۱، ص ۵۱۴؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۹۸۱ م، ج ۹، ص ۳۲۰.

ساکن مکه بود،^۱ که در طول تاریخ هیچ‌گاه مرکز شیعیان نبود و تنها در دوره‌هایی تحت حاکمیت فاطمیان (حک: ۲۹۷-۵۶۷ ه.ق) قرار داشت.^۲ در پرسش و پاسخ میان امام باقر(ع) و عبدالله بن میمون، ایشان از تعداد شیعیان مکه در آن زمان پرسیدند، وی می‌گوید که تنها چهار نفر شیعه در مکه ساکن هستند.^۳ با توجه به سکونت وی در مکه، این روایت را می‌توان تقیه به نفع او دانست که برای حفظ جان‌اش، این‌گونه نقل شده و به‌علاوه چون در دوران بنی امیه بوده، شاهد دیگری برای تقیه به نفع راوی است. در مورد مسعده نیز باید گفت که او را در کتب رجالی در زمره اصحاب امامین صادقین(ع) و امام کاظم(ع) گفته‌اند.^۴ شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ه.ق) او را عامی و کشی (م. ۳۲۰ ه.ق) او را از بُتریه دانسته‌اند.^۵ علاوه بر این، وی ساکن بصره بود.^۶ ذهبی (م. ۷۴۸ ه.ق) و ابن حجر نیز نام او را در کتب خود می‌برند، اما به تشیع وی اشاره‌ای نکرده‌اند.^۷ بر این اساس، می‌توان چند احتمال را در مورد این روایت مطرح کرد. اگر عامی بودن مسعده، مسلم فرض شود؛ باید گفت که امام صادق(ع) بر مبنای اعتقاد غیرشیعی او سخن گفته و براساس تقیه، ثواب روزه عاشورا را بیان کرده‌اند. اگر بتری بودن مسعده، صحیح دانسته شود، او اعتقاد چندانی به امامت ائمه(ع) نداشته، لذا، مانند کثیر النواء، امام صادق(ع) روایتی را در فضیلت روزه عاشورا بیان نموده‌اند. برخی از رجالیان معاصر در درستی اتهام بتری یا عامی بودن مسعده، تأمل داشته و او را شیعه می‌دانند.^۸ اگر این سخن درست بوده و شیعه بودن وی پذیرفته شود، باز هم می‌توان این روایت را تقیه‌ای دانست؛ زیرا او ساکن بصره بود که یکی از مهم‌ترین مراکز ناصبیان در عراق به‌شمار می‌رفت، به طوری که در مورد آن گفته شده «قطعه‌ای از شام است که در عراق به وجود آمد».^۹ شیعیان در بصره تا بدان حد مجبور به تقیه بودند که برخی از آن‌ها جرأت زیارت امام حسین(ع) را نداشتند.^{۱۰} البته این سخن به

۱. برقی، رجال، ۱۳۴۲، ص ۲۲؛ شیخ طوسی، رجال، ۱۳۷۳، ص ۲۳۱؛ ابن حبان، المعجروحين من المحدثین، ۲۰۰۰ م، ج ۱، ص ۵۱۴؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۹۸۱ م، ج ۹، ص ۳۲۰؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۱۹۶۳ م، ج ۲، ص ۵۱۲؛ عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۳۲۵ ق، ج ۶، ص ۴۹.
۲. ابن فهد، اتحاف الوری باخبار ام‌القری، ۲۰۰۵ م، ج ۲، ص ۴۷۲-۴۷۳.
۳. کشی، رجال، ۱۳۴۸، ص ۲۴۶، ۳۸۹.
۴. برقی، رجال، ۱۳۴۲، ص ۳۸؛ نجاشی، رجال، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۱۵؛ شیخ طوسی، رجال، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶، ۳۰۶.
۵. کشی، رجال، ۱۳۴۸، ص ۳۹۰؛ شیخ طوسی، رجال، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶.
۶. همان، ص ۳۰۶.
۷. ذهبی، میزان الاعتدال، ۱۹۶۳ م، ج ۴، ص ۹۸؛ عسقلانی، لسان المیزان، ۱۳۳۱ ق، ج ۶، ص ۲۲.
۸. خونی، معجم رجال الحدیث، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۸، ص ۱۳۹؛ همچنین دست‌اندرکاران نرم‌افزار «دریة النور» سید محمدجواد شبیری و سید علیرضا حسینی شیرازی.
۹. ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۲۲ ق، ج ۶، ص ۲۳۲.
۱۰. ابن قولویه، کامل الزیارات، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۰۳.

این معنا نیست که در بصره شیعیان ساکن نبودند، چرا که در میان اصحاب، راوی شیعی بصری، همچون فضیل بن یسار، ربیع بن عبدالله، حارث بن مغیره النصری و دیگران سکونت داشتند؛^۱ بلکه به این معنا است که شیعه در آن قدرت اجتماعی چندانی نداشت. بر این اساس، روایت فوق یا براساس اعتقاد سنی یا بتری مسعده، یا به دلیل سکونت او در بصره، تقیه‌ای بیان شده است.

روایت پنجم: امام رضا(ع) به ابوهمام فرموده‌اند که رسول خدا(ص) روز عاشورا روزه گرفته‌اند.^۲ اسماعیل بن همّام از یاران شیعی امام رضا(ع) بود که در بصره ساکن بود^۳ و «مولی بنی کنده» معرفی شده است.^۴ در مورد این روایت باید گفت، در درجه اول، ابوهمام در شهر ناصبیان ساکن بود. در درجه دوم، قبیله بنی کنده عموماً از اهل سنت بودند و نقش مهمی در شهادت امام حسین(ع) داشتند. در گزارش‌های تاریخی آمده که این قبیله سر مقدس سیزده تن از شهدای کربلا را با خود حمل کرده‌اند.^۵ سکونت این راوی در بصره و پیوند ولاء او با قبیله بنی کنده، احتمال تقیه‌ای بودن حکم را قوت می‌بخشد.

۴-۲. منع از روزه در روز عاشورا بدون ذکر دلیل

در این دسته از روایات، از روزه عاشورا منع شده است، اما به علت این امر یا ارتباط روزه در این روز با بنی امیه سخنی بیان نشده است.

روایت اول: محمد بن مسلم (م. ۱۵۰ ه. ق) و زراره از امام باقر(ع) نقل کرده‌اند که روزه عاشورا پیش از وجوب روزه در ماه رمضان بوده و پس از واجب شدن روزه ماه رمضان، روزه عاشورا نسخ شد.^۶ با توجه به جایگاه فقه‌ای این دو نفر، اینکه امام(ع) در این حدیث هیچ توضیحی در مورد نتیجه متروک (منسوخ) بودن یک حکم نفرموده‌اند، شاید به این دلیل باشد که آن دو می‌دانستند که پس از نسخ یک حکم، دیگر عمل به آن بدعت است.^۷ در حالی که در روایتی که در ادامه خواهد آمد، امام توضیحی در این باره بیان

۱. نزار المنصوری در کتاب خود، تعداد ۴۳۷ راوی، محدث و فقیه شیعی بصری تا پایان غیبت صغری معرفی کرده که از

انمه(ع) به طور مستقیم حدیث نقل کرده‌اند (المنصوری، النصره لشعبة البصرة، ۲۰۰۴م، ص ۱۲۵-۳۰۱).

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۳. نجاشی، رجال، ۱۴۱۸ق، ص ۳۰.

۴. نجاشی، رجال، ۱۴۱۸ق، ص ۳۰؛ شیخ طوسی، رجال، ۱۳۷۳، ص ۳۵۲.

۵. بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ۱۹۹۶م، ج ۳، ص ۴۱۲؛ ابوحنیفه دبنوری، الاخبار الطوال، ۱۹۵۹م، ص ۲۵۹؛ طبری الرسل والملوک، تاریخ، ۱۹۶۲م، ج ۵، ص ۴۶۷-۴۶۸.

۶. «كَانَ صَوْمُهُ قَبْلَ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمَّا نَزَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ تَرَكَ» (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۸۵).

۷. سید مرتضی، الذریعة الی اصول الشریعة، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۱۳-۴۲۱؛ محقق حلّی، معارج الاصول، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۷-۱۷۵؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۹۸۴م، ج ۲، ص ۲۸-۴۴؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، بی تا، ج ۲، ص ۲۰-۲۷.

کرده‌اند. زراره و محمدبن مسلم از بزرگ‌ترین فقه‌های شیعه به‌شمار می‌روند. هرچند که این روایت در دوران بنی‌امیه بیان شده، با این وجود امام باقر(ع) که از شدت تقیه این دو محدث بزرگ شیعه مطلع بودند، تقیه نکرده‌اند، اما به نظر می‌رسد باز هم به دلیل فضای حاکم بر جامعه، امام روزه عاشورا را منسوخ اعلام کرده و سخنی در مورد تشریع آن نفرموده‌اند.

روایت دوم: در حدیثی از نَجَبَة بن حارث^۱ از امام باقر(ع)، او در مورد حکم روزه عاشورا سؤالی پرسیده است. ایشان در پاسخ فرموده‌اند که روزه این روز پس از وجوب روزه در ماه رمضان نسخ شده و انجام دستور منسوخ بدعت است.^۲ نَجَبَة از اصحاب امام صادق(ع) و امام کاظم(ع)،^۳ از قبیله کوفی بنی‌اسد^۴ و از دوستان نزدیک علی بن یقطين (م ۱۸۲ ه.ق) بود؛^۵ انتساب وی به این قبیله، احتمال سکونت وی در کوفه را بسیار محتمل می‌کند. ابتدای این روایت، مشابه روایت محمدبن مسلم و زراره است، اما در ادامه ایشان بیان می‌کنند که انجام آنچه از احکام که نسخ شده، بدعت است. می‌توان احتمال داد که امام نیاز می‌دیدند که برای نَجَبَة توضیح بیشتری بفرمایند، اما این توضیح برای زراره و محمدبن مسلم که از فقه‌های اصحاب بودند، نیاز نبود. هرچند که این روایت در دوران امویان بیان شده است، اما به نظر می‌رسد سکونت او در شهر شیعه‌نشین کوفه، باعث شده که امام باقر(ع) در این حدیث، تقیه نکرده و روزه عاشورا را بدعت بدانند.

روایت سوم: در حدیثی از عبداللّه بن سنان نقل شده که روز عاشورا نزد امام صادق(ع) رسیده و ایشان را غمگین و گریان دیده است. وی از ایشان در مورد روزه در این روز پرسیده است که ایشان فرموده‌اند که از شب نیت روزه نداشته باشد، این روز را به‌طور کامل روزه نگرفته و بعد از نماز عصر، با جرعه‌ای آب افطار کند.^۶ در تشیع عبداللّه بن سنان هیچ تردیدی نیست؛ نجاشی (م. ۴۵۰ ه.ق) در شرح حال او

۱. در برخی منابع نام او «نَجَبَة بن حارث» ضبط شده است (شیخ طوسی، رجال، ۱۳۷۳، ص ۳۱۶، ۳۴۵).

۲. کلینی، کافی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۴۶؛ شیخ طوسی، الاستبصار، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۵.

۳. شیخ طوسی، رجال، ۱۳۷۳، ص ۳۱۶، ۳۴۵.

۴. قبیله بنی‌اسد پس از خروج از یمن و مهاجرت به عراق، از سال ۱۹ در کوفه ساکن شدند (کحاله، معجم قبائل العرب، ۱۱۹۷، ج ۱، ص ۲۱).

۵. کشی، رجال، ۱۳۴۸، ص ۲۱۷، ۴۵۲.

۶. «صُمُّهُ مِنْ غَيْرِ تَبَيُّتٍ وَأَفْطَرَهُ مِنْ غَيْرِ تَشْمِيتٍ وَلَا تَجْعَلْهُ يَوْمَ صَوْمٍ كَمَلًا وَلَا لَيْكُنْ إِفْطَارُكَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ بِسَاعَةٍ عَلَى شَرْبِهِ مِنْ مَاءٍ» (شیخ طوسی، مصباح‌المتجهّد، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۸۲)؛ اکثر فقه‌های شیعه به این روایت، به عنوان شاهد جمع میان روایات روزه عاشورا استناد کرده‌اند. بسیاری از آنها بیان می‌کنند که روزه در این روز، روزه واقعی نبوده و حتی نباید نیت روزه کرد، بلکه روزه عاشورا را به معنای مجرد امساک از خوردن و آشامیدن، آن هم تا عصر دانسته‌اند (شهید اول، الدرر السعیدة، ۱۴۳۵، ج ۱، ص ۱۹۷؛ شهید ثانی، حاشیه شرائع الاسلام، ۱۴۳۴، ص ۱۹۹؛ شهید ثانی، حاشیه المختصر النافع، ۱۴۳۴، ص ۶۲۵).

می نویسد که کتاب او به دلیل عظمت او در شیعه و وثاقت و جلالت قدر، بسیار مورد توجه قرار گرفت.^۱ با این وجود، او خزانه دار منصور (حک: ۱۳۶-۱۵۸ ه.ق)، مهدی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ ه.ق)، هادی (حک: ۱۶۹-۱۷۰ ه.ق) و هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ ه.ق) بود^۲ و تا بدان حد تقیه می کرد که تشیع او بر خطیب بغدادی (م. ۴۱۲ ه.ق) که تبحر خاصی در شناخت شیعیان داشت، مخفی مانده است.^۳ در واقع، روزه عاشورا در این حدیث، روزه واقعی نیست؛ زیرا، اولاً نباید تیت روزه کرد و ثانیاً در عمل با نوشیدن جرعه ای آب بعد از نماز عصر، روزه باطل می شود. این گونه بیان حکم از سوی پیشوای ششم (ع)، شاید به دلیل موقعیت شغلی عبدالله بود تا هویت شیعی او برای دربار عباسی شناخته نشود؛ لذا، این روایت را می توان در زمره روایات تقیه به نفع شیعیان دانست. با توجه به اینکه این روایت در دوران بنی عباس نقل شده و حساسیت دوران امویان وجود نداشت، امام (ع) نه تنها فضیلتی برای روزه عاشورا بیان نکرده، بلکه با رعایت جوانب احتیاط، روزه را منع کرده اند.

۴-۳. ترک تقیه در روایات منع کننده از روزه عاشورا با بیان دلیل

در این دسته از روایات، ائمه (ع) هم تشریع روزه در این روز در زمان رسول خدا (ص) را انکار نموده و آن را سنت بنی امیه دانسته، و هم عاقبتی بسیار دردناک برای کسی که در این روز روزه بگیرد، بیان کرده اند. تمامی این احادیث اولاً در دوران بنی عباس بیان شده و ثانیاً برای راویان شیعی گفته شده اند که اعتقادی قوی به تشیع داشتند و ثالثاً راویان آن ها در شهر شیعه نشین کوفه ساکن بوده اند.

روایت اول: نَجَبَةُ بن حادث در ادامه حدیث پیش گفته می گوید که همین سؤال را پس از شهادت امام باقر (ع)، از امام صادق (ع) پرسیده است و ایشان ابتدا پاسخی به مانند پدرشان بیان فرموده و در ادامه می فرمایند که روزه این روز نه در کتاب و نه در سنت وجود نداشته و سنت آل زیاد است.^۴ با توجه به مطالب پیشین درباره نَجَبَة، بیان حکم تقیه ای برای او چندان قابل فرض نیست؛ این حدیث یا در اواخر دوران بنی امیه که دوران ضعف دولت آن ها بوده یا در ابتدای دوران بنی عباس صادر شده است، لذا، امام صادق (ع) ابتدا پاسخ پدر خود را تکرار نموده و در ادامه بدون تقیه فرموده اند که روزه عاشورا امری بود که توسط آل زیاد رواج پیدا کرد.

روایت دوم: سؤال عُبَید بن زرارة از امام صادق (ع) است که از صغار اصحاب ایشان بود؛ لذا، محتمل

۱. نجاشی، رجال، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۱۴.

۲. همان؛ شیخ طوسی، رجال، ۱۳۷۳، ص ۲۶۴.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۹۳۱ م، ج ۹، ص ۴۶۹.

۴. «إِنَّهُ صَوْمُ يَوْمٍ مَا نَزَلَ بِهِ كِتَابٌ وَلَا جَزَتْ بِهِ سُنَّةٌ إِلَّا سُنَّةُ آلِ زَيْدٍ يَقْتُلُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا» (کلینی، کافی،

۱۳۷۷ ق، ج ۴، ص ۱۴۶؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۳۰۱؛ شیخ طوسی، الاستبصار، ۱۳۷۶ ق،

ج ۲، ص ۱۳۵.

است که این حدیث در دوران بنی عباس بیان شده باشد؛ انتساب عبید بن زراره به خاندان اعمین که از خاندان‌های مهم شیعه در کوفه بودند و سکونت خود او در کوفه،^۱ امام صادق (ع) را مجبور به تقیه نکرده است. امام صادق (ع) در این حدیث، بدون تقیه سخن گفته و فرموده‌اند که هر کس در روز عاشورا روزه بگیرد، بهره او همان بهره عبید الله بن زیاد خواهد بود. در انتهای حدیث نیز که می‌فرمایند «خداوند ما را از عملی که به جهنم نزدیک کند، پناه دهد»،^۲ در این حدیث، ایشان سخنی در مورد عدم تشریع روزه در عاشورا نمی‌فرمایند و تنها به ذکر عقاب روزه در این روز اکتفاء کرده‌اند.

روایت سوم: حدیثی از عبدالملک بن حکیم از امام صادق (ع) است. او از یاران کوفی امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بود.^۳ لذا، از نظر طبقه از اصغار اصحاب ایشان به‌شمار می‌رود و به احتمال فراوان این سؤال و جواب در دوران بنی عباس انجام گرفته است. وی کتابی داشته،^۴ که بخشی از آن در ضمن اصول سته عشر به چاپ رسیده است.^۵ روایات او نشان از اعتقاد قوی شیعی او دارد و می‌تواند شاهی بر عدم تقیه امام از عبدالملک یا حتی به نفع او باشد. در این حدیث، امام صادق (ع) پس از بیان شهادت امام حسین (ع)، با نوعی استفهام انکاری می‌فرماید که آیا در این روز روزه‌ای وجود دارد؟ سپس به خدا قسم می‌خورند که عاشورا روز روزه نبوده، بلکه روز اندوه و مصیبت است و کسی که در آن روزه بگیرد، همراه با آل زیاد با قلبی مسخ شده محشور می‌شود.^۶

روایت چهارم: حدیث امام صادق (ع) به پدر حسین بن ابی غنْدَر است. حسین بن ابی غنْدَر راوی کوفی، از اصحاب امام کاظم (ع) و پدرش نیز از اصحاب امام صادق (ع) بود.^۷ براساس طبقه باید گفت، هر دوی آن‌ها در عهد عباسیان، شاگرد امام صادق (ع) بوده‌اند. همچنین، این پدر و پسر روایاتی را از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند که نشان از اعتقاد قوی آن‌ها به تشیع دارد؛^۸ لذا، الزامی برای تقیه برای امام نبوده است. در این روایت، امام صادق (ع) ابتدا تاریخ تشریع روزه عاشورا، مبنی بر نذر امویان در صورت پیروزی بر امام حسین (ع) و ترویج روزه در آن را بیان می‌کنند و این روزه را سنت بنی امیه، عمل ناصیبان و

۱. زراری، رسالة ابی غالب، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۴.

۲. «مَنْ صَامَهُ كَانَ حَقَّهُ مِنْ صِيَامِ ذَلِكَ الْيَوْمِ حَقَّ ابْنِ مَرْجَانَةَ وَ آلِ زَيْدٍ قَالَ قُلْتُ وَ مَا كَانَ حَقَّهُ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ النَّارُ» (کلینی،

کافی، ۱۳۷۷ق، ج ۴، ص ۱۴۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۰۱-۳۰۲.

۳. نجاشی، رجال، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۴. همان، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ شیخ طوسی، فهرست، ۱۴۲۰ق، ص ۳۱۶.

۵. جمعی از نویسندگان، اصول سته عشر، ۱۴۲۳ق، ص ۳۰۱-۳۰۶.

۶. «أَفْصَوْمُ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ ... مَا هُوَ يَوْمٌ صَوْمٌ وَ مَا هُوَ إِلَّا يَوْمٌ حُزْنٌ وَ مُصِيبَةٌ ... فَمَنْ صَامَهُ أَوْ تَرَكَ بِهِ حَشْرَةَ اللَّهِ مَعَ آلِ زَيْدٍ مَسْخُوحُ الْقَلْبِ مَسْخُوحٌ عَلَيْهِ» (کلینی، کافی، ۱۳۷۷ق، ج ۴، ص ۱۴۷).

۷. نجاشی، رجال، ۱۴۱۸ق، ص ۵۵.

۸. ابن قولویه، کامل الزیارات، ۱۴۲۹ق، ص ۱۲۵، ۱۴۴، ۱۹۹.

فعل کسانی که از سلامتی بنی امیه خوشحال می شوند، دانسته اند. سپس می فرمایند که روزه برای مصیبت نیست، بلکه به جهت شکرگزاری است و کسانی که به واسطه شهادت امام حسین (ع) مصیبت زده هستند، نباید در این روز روزه بگیرند و انتها می فرمایند که عاشورا روزی است که «امام حسین (ع) در آن به شهادت رسیدند و اگر به مانند ناصبیان از شهادت ایشان خوشحال هستی، روزه بگیر». ^۱ در این حدیث، روزه در این روز منع و همچنین هرگونه تشریع روزه در این روز نفی شده است.

روایت پنجم: حدیثی از جعفر بن عیسی بن عبید است که از خاندان یقطین و نوه برادر علی بن یقطین است. یقطین از داعیان و عاملان بنی عباس بود، ^۲ ولی فرزندان او و نسل بعدی آن ها از شیعیان اهل بیت (ع) بودند، لذا دلیلی برای تقیه در آن زمان وجود نداشت. امام رضا (ع) خطاب به جعفر بن عیسی بن عبید بن یقطین در سخنانی با لحن بسیار شدید، روزه عاشورا را سنت ابن مرجانه دانسته و رواج آن را کار ناپاک زادگان از آل زیاد و روزی شوم بیان کرده اند، که نباید در آن روزه گرفت. در ادامه می فرمایند که هر کس در این روز روزه بگیرد، با قلبی مسخ شده و با کسانی که روزه آن را سنت کردند، محشور خواهد شد. ^۳ امام رضا (ع) بدون پرده پوشی، روزه این روز را سنت ابن مرجانه دانسته و این روز را روزی شوم معرفی کرده اند. در انتها نیز بیان می کنند که جزای روزه این روز، محشور شدن با کسانی است که آن را رواج داده اند. این روایت در واقع اصل تشریع روزه در این روز را نفی کرده و همچنین عقابی دردناک برای روزه در این روز بیان کرده اند.

۵. نتیجه گیری

در بررسی تاریخ تفکر شیعه باید توجه داشت که امامان نه تنها در بیان فضائل خود، بلکه در بیان احکام فقهی حساسیت برانگیز، مجبور به تقیه بوده و در این زمینه به سه عنصر فضای فکری جامعه، اعتقاد افراد و مکان زندگی راویان توجه داشتند. در این نوشتار تلاش بر این بود تا سیر تاریخی بیان حکم روزه عاشورا براساس سه عنصر فوق مورد بررسی قرار بگیرد. بر این اساس، احادیث به عنوان گزاره های تاریخی در نظر گرفته شده و بنابراین روایات روزه عاشورا در سه دسته قابل تقسیم هستند. دسته اول، روایات بیان کننده فضائل روزه گرفتن در این روز، که همگی مربوط به دوران بنی امیه بوده و با مراجعه به راویان

۱. شیخ طوسی، الامالی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۶۷.

۲. ابن کثیر، البداية و النهاية، ۱۹۹۰م، ج ۱۰، ص ۱۸۹.

۳. «ذَلِكَ يَوْمٌ صَامَةٌ الْأَدْعِيَاءُ مِنْ آلِ زَيْدٍ لَقُتِلَ الْحُسَيْنُ ... وَالْيَوْمُ الَّذِي يَسَامُ بِهِ أَهْلُ الْإِسْلَامِ لَا يُصَامُ وَلَا يُتَرَكُ بِهِ ... فَمَنْ صَامَهُمَا أَوْ تَبَرَّكَ بِهِمَا لَقِيَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَمْسُوحَ الْقَلْبِ وَكَانَ حَشْرُهُ مَعَ الَّذِينَ سَنُوا صَوْمَهُمَا وَالتَّبَرُّكَ بِهِمَا» (کلینی، کافی، ۱۳۷۷ق، ج ۴، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۰۱؛ شیخ طوسی، الاستبصار، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۵).

آن‌ها همگی از اهل سنت، از اعضای فرقه بتریه یا ساکن در شهرهایی نظیر بصره و مکه بودند که معصومان(ع) مجبور به تقیه بودند. دسته دوم تنها از روزه در این روز منع کرده‌اند، اما هیچ دلیلی برای این امر بیان نکرده‌اند. این امر حاکی از تقیه ائمه و نیز به دلیل فضای زمانه (دوران بنی‌امیه) یا شاغل بودن راوی در یک پست حکومتی بود. دسته سوم احادیثی هستند که ترک تقیه کرده‌اند، یعنی نه تنها ائمه(ع) از روزه در عاشورا منع کرده‌اند، بلکه با لحنی بسیار تند از روزه در این روز برحذر داشته و آن را سنت بنی‌امیه دانسته‌اند. تمامی این روایات در دوران بنی‌عباس و به راویان شیعی ساکن کوفه گفته شده‌اند. به عنوان پیشنهاد پژوهش می‌توان در دیگر موضوعات فقهی حساس، مانند اوقات نماز، نماز میّت، بحث رضاع، ارث اجداد و مباحث دیگر، همین بحث را مورد پژوهش قرار داد.

منابع

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (۱۹۵۲م). *الجرح والتعديل*. حیدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية، ج ۷، ۵.
- ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۲۹ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. چاپ شده در ضمن موسوعة ابن ادریس حلی. تصحیح سید محمد مهدی الموسوی الخراسان. قم: دلیل ما، ج ۵.
- ابن البراج، عبدالعزيز (۱۴۰۶ق). *المهذب*. باشراف آية الله شيخ جعفر سبحانی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ج ۲.
- ابن حبان، محمد (۱۹۷۳م). *الثقات*. حیدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية، ج ۷.
- ابن حبان، محمد (۲۰۰۰م). *المجروحین من المحدثین*. تحقیق حمدي عبدالمجيد السلفی. بیروت: دار الصمیعی، ج ۱.
- ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). *الوسيلة الى نيل الفضيلة*. تحقیق محمد حسن. قم: مكتبة آية الله العظمی المرعشي النجفی.
- ابن سعد، محمد (۱۳۲۲ق). *الطبقات الكبرى*. تصحیح ادوارد زاخاو. لیدن: بریل، ج ۶.
- ابن عدی، عبدالله (بی تا). *الكامل فی ضعفاء الرجال*. بیروت: دارالفکر، ج ۷.
- ابن فهد، عمر (۲۰۰۵م). *اتحاف الوری باخبار ام القرى*. تحقیق فهیم محمد شلتوت. مکه: جامعة ام القرى، ج ۲.
- ابن قدامة، احمد (۱۹۶۹م). *المغنی*. تصحیح طه محمد الزینی. القاهرة: مكتبة القاهرة، ج ۶.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۴۲۹ق). *کامل الزیارات*. تصحیح جواد قیومی. قم: نشر الفقاهه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۰م). *البداية والنهاية*. بیروت: مكتبة المعارف، ج ۹-۱۰.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۹۹۶م). *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*. قاهره: مكتبة الخانجی.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق). *مجمع الفائدة والبرهان*. تصحیح مجتبی عراقی، علی پناه اشتهازی، حسین یزدی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ج ۱۱.
- اشعری، ابوالحسن (۲۰۰۵م). *مقالات الاسلامیین*. تصحیح هلموت ریتز. بیروت: دار النشر.
- افراخته، محمد حسین (۱۳۹۷). *شیعیان متقدم: جستارهایی در تبار اجتماعی شیعه تا پایان قرن چهارم هجری*. تهران: نگاه معاصر.
- اقوام کرباسی، اکبر (۱۳۹۱). *مرجئه شیعه. نقد و نظر*، شماره ۶۷، ص ۳۴-۶۶.
- انصاری، زکریا (بی تا). *فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب*. القاهرة: دار المعرفة، ج ۲.
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۹۸۵م). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. تصحیح محمدتقی ایروانی. بیروت: دار الاضواء، ج ۳-۴.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). *التاريخ الكبير*. حیدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية، ج ۱، ۷، ۵.
- برقی، احمد بن عبدالله (۱۳۴۲). *رجال*. تصحیح سید کاظم الموسوی المیاموی. تهران: دانشگاه تهران.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۰ق). *المحاسن*. تصحیح سید جلال الدین ارموی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۹۶۴م). *الفرق بن الفرق*. تصحیح محمد محیی الدین عبدالحمید. القاهرة: مطبعة محمد علی صبیح.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۶م). *جمل من انساب الاشراف*. تصحیح سهیل زکار و ریاض الزرکلی. بیروت: دار الفکر، ج ۳.

بیرونی، ابوریحان (۱۸۷۸م). *الآثار الباقية*. تصحیح ادوارد زاخاو. لایپزیگ.
تهرانی، آقابزرگ (۱۹۸۳م). *الذریعة الى تصانیف الشیعة*. بیروت: دار الاضواء، ج ۱، ۴.
جمعی از نویسندگان (۱۴۲۳ق). *اصول الستة عشر*. قم: دارالحديث.
حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرائع*. باشراف آية الله جعفر سبحانی. قم: منشورات مؤسسة سيد الشهداء(ع).

خانی، حامد (۱۳۹۶). روزه عاشورا در دو سده نخست هجری (دسته‌بندی و گونه‌شناسی روایات). *رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث*، ۴۹-۹۹.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۹۳۱م). *تاریخ بغداد*. القاهرة: مكتبة الخانجي، ج ۹.
خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۰ق). *معجم رجال الحديث*. نجف: مطبعة الآداب، ج ۱۸.
دینوری، ابوحنیفه (۱۹۵۹م). *الاخبار الطوال*. تصحیح عبدالمنعم عامر. القاهرة: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۶۳م). *میزان الاعتدال*. تصحیح علی محمد البجاوی. القاهرة: مطبعة عيسى البابي الحلبي، ج ۴-۲.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۸۱م). *سير اعلام النبلاء*. تصحیح شعيب الاناؤوط. بیروت: مؤسسة الرسالة، ج ۵، ۹.
راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق). *الخرائج والجرائح*. تصحیح مؤسسة الامام المهدي(ع)، ج ۱.
زراری، ابوغالب (۱۴۱۱ق). *رسالة ابی غالب الزراری الى ابن ابنه فی ذکر آل‌اعین*. تصحیح سید محمدرضا حسینی جلالی. قم: مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیة.

زركشي، محمد (۱۹۸۴م). *البرهان فی علوم القرآن*. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهيم. القاهرة: دار التراث، ج ۲.
سرخسی، شمس‌الدین (۱۹۸۹م). *المبسوط*. بیروت: دار المعرفة (افست چاپ قاهره)، ج ۲۹.
سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۳۷۶). *الذریعة الى اصول الشریعة*. تصحیح ابوالقاسم گرجی. تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.

سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا). *الاتقان فی علوم القرآن*. القاهرة: مطبعة الحجازی، ج ۲.
شربینی، محمد (۲۰۰۴م). *الاقناع فی حل الفاظ ابی‌شجاع*. تصحیح محمدعلی عوض و عادل احمد عبدال موجود. بیروت: دار الكتب العلمیه، ج ۲.
شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۹۶۷م). *الملل و النحل*. تحقیق محمد سید الکیلانی. القاهرة: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ج ۱.

شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۳۵ق). *الدروس الشرعیة*. چاپ شده در موسوعة الشهيد الاول. تصحیح مجموعه من الحقیقین. قم: مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیة، ج ۱.

شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۳۵ق). *اللمعة الدمشقية*. چاپ شده در موسوعة الشهيد الاول. تصحیح مجموعه من الحقیقین. قم: مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیة.

شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۳۴ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقية*. چاپ شده در موسوعة الشهيد الثاني. تصحیح مجموعه من الحقیقین. قم: مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیة، ج ۳-۴.

- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۳۴ق). *حاشیه المختصر النافع*. چاپ شده در موسوعة الشهيد الثاني. تصحيح مجموعة من الحققين. قم: مركز العلوم و الثقافة الاسلامية.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۳۴ق). *حاشیه شرائع الاسلام*. چاپ شده در موسوعة الشهيد الثاني. تصحيح مجموعة من الحققين. قم: مركز العلوم و الثقافة الاسلامية.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ق). *رسائل فقهية*. تصحيح جمعی از محققان. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵ق). *علل الشرائع*. تصحيح سيد محمدصادق بحر العلوم. نجف: منشورات المكتبة الحيدرية، ج ۲.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۹ق). *الخصال*. تصحيح علی اکبر غفاری. تهران: مكتبة الصدوق، ج ۲.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۲۹ق). *من لا يحضره الفقيه*. تصحيح علی اکبر غفاری. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ج ۴، ۲.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۳۲ق). *المقنع*. قم: مؤسسة الامام الهادی (ع).
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۳۲ق). *التهذيب*. قم: مؤسسة الامام الهادی (ع).
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). *رجال*. تصحيح جواد قیومی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶ق). *الاستبصار فيما اختلف من الاخبار*. تصحيح سيد حسن الموسوی الخراسان. نجف: دار الكتب الاسلاميه، ج ۲.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۹ق). *تهذيب الاحكام في شرح المقنعة*. تصحيح سيد حسن الموسوی الخراسان. نجف: دار الكتب الاسلامية، ج ۱-۲، ۶، ۹، ۴.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتعجل و سلاح المتعجل*. بيروت: مؤسسة الفقه الشيعية، ج ۲.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الامالی*. تصحيح قسم الدراسات الاسلامية مؤسسة البعثة. قم: مؤسسة البعثة.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *العدة في اصول الفقه*. تحقيق محمدرضا الانصاری القمی. قم: مؤسسة البعثة، ج ۱.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). *فهرست*. تصحيح سيد عبدالعزيز طباطبائی. قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۳۷ق). *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ج ۳.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *تصحيح اعتقادات الامامية*. تصحيح حسين درگاهی. قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۳۰ق). *المقنعة*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۲م). *تاريخ الرسل والملوڪ*. تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم. القاهرة: دار المعارف بمصر، ج ۵.
- طوسی، نجم الدین (۱۳۸۰ق). *صوم عاشوراء بين السنة النبوية و البدعة الاموية*. قم: انتشارات عهد.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۳۲۵ق). *تهذيب التهذيب*. حیدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية، ج ۲، ۸، ۶.

- عسقلانی، ابن حجر (۱۳۳۱ق). *لسان المیزان*. حیدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية، ج ۶.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). *ارشاد الاذهان الى احکام الايمان*. تحقیق فارس الحسون. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ج ۲.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). *تحریر الاحکام الشرعية على مذهب الامامية*. تحقیق ابراهيم بهادری. قم: مؤسسة الامام الصادق (ع)، ج ۵.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۳۸ق). *قواعد الاحکام*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ج ۳.
- علی، جواد (۱۹۹۳م). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بغداد: جامعة بغداد، ج ۶.
- فلاح زاده، احمد (۱۳۹۴). *درآمدی بر سنت سازی امویان؛ مطالعه روندی- فرآیندی روزه عاشورا*. *تاریخ اسلام*، شماره ۳.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر. تصحیح طیب موسوی جزائری*. قم: دار الکتاب، ج ۱.
- کحاله، عمر رضا (۱۹۹۷م). *معجم قبائل العرب*. بیروت: مؤسسة الرسالة، ج ۱.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). *رجال (اختیار معرفة رجال)*. تصحیح سیدحسن مصطفوی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷ق). *الکافی*. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامية، ج ۱-۴، ۷.
- کوهیما، حمیده؛ رستگار جزی، پرویز (۱۳۹۸). *باز پژوهی در حکم روزه عاشورا*. *فقه مقارن*، ۷ (۱۴).
- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۰ق). *الحاشية على رسالة في التقية*. قم: مجمع الذخائر الاسلامية.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق). *معارج الاصول*. تصحیح محمدحسین الرضوی. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۹۶۹م). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. تصحیح عبدالحسین محمد علی بقال. نجف: مطبعة الآداب، ج ۴.
- مزی، یوسف (۱۹۸۲م). *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*. تصحیح بشار عواد معروف. بیروت: مؤسسة الرسالة، ج ۲۶، ۲۴.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق). *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار (الخطط مقریزی)*. بیروت: دار الکتب العلمية، ج ۲.
- منصوری، نزار (۲۰۰۴م). *النصرة لشيععة البصرة*. القاهرة: مكتبة مدبولی.
- موسوی، سید محمد مهدی (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی نظریه تقیه با رویکر به کتب اربعه و صحیحین*. پایان نامه سطح ۳. حوزه علمیه قم.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق). *رجال*. تصحیح آیه الله سید موسی شبیری زنجانی. قم: جامعة المدرسين.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تصحیح عباس قوچانی و علی آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامية، ج ۳۹.
- نسائی، احمد (۱۹۸۵م). *الضعفاء والمتروکین*. تحقیق کمال یوسف الحوت. بیروت: مؤسسة الکتب الثقافية.
- نوری، سید حسین (۱۳۹۶). *روزه روز عاشورا، نقد و بررسی روایات و دیدگاه های فقیهان*. پژوهش های فقهی، شماره ۴.
- نوی، محیی الدین بن شرف (بی تا). *المجموع شرح المذهب*. تصحیح لجنة من العلماء. القاهرة: شركة العلماء، ج ۱۶.
- یعقوبی، احمد (۱۸۸۸م). *تاریخ یعقوبی*. تصحیح هوتسما. لایدن، بریل، ج ۱.